

Strategies of Social Integration of Afghan Immigrants in the Islamic Republic of Iran

Hadi Farjamikia¹, Ali Shirkhani²

¹ PhD. Student, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
h.farjami.kiya@vatanmail.ir

² Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
(Corresponding author). shirkhani@qom-iau.ac.ir

Abstract

The purpose of the present research is to study strategies of social integration of Afghan immigrants in the Islamic Republic of Iran based on the SWOT model. Totally, 8 strength points, 17 weakness points, 19 opportunities, and 13 threats were detected. In the next stage, the final score of each criterion and sub-criterion was determined using paired comparison, Saaty ranking system, and ANP model. According to the obtained scores, it can be said that in the current situation, the invasive strategy should be taken into consideration and prioritized. Strategies of SO9, So3, and SO1 have the highest scores and are recognized as the first, second, and third priorities. The strategy of SO9 develops territory markets, export of domestic goods, and import of Afghan products to Iran. SO3 propagates consumption patterns among the immigrants and expands internal and external markets which help economic growth. SO1 increases the labor force and ethnic variation in society and creates interaction between different cities and regions.

Keywords: Social Integration, Immigrants, Afghan Immigrants, Iran.

راهبردهای ادغام اجتماعی اتباع افغانستانی در جمهوری اسلامی ایران

هادی فرجامی‌کیا^۱، علی شیرخانی^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. h.farjami.kiya@vatanmail.ir

^۲ استاد، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

shirkhani@qom-iau.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی راهبردهای ادغام اجتماعی اتباع افغانستانی در جمهوری اسلامی ایران، براساس مدل SOWT است. در مجموع ۸ نقطه قوت، ۱۷ نقطه ضعف، ۱۹ فرصت و ۱۳ تهدید شناسایی شد. در مرحله بعد، با استفاده از سیستم مقایسه زوجی و سیستم امتیازدهی ساعتی و همچنین مدل ANP، امتیاز نهایی هر معیار و زیرمعیار تعیین شد. براساس امتیازات به دست آمده می‌توان گفت که در شرایط کنونی، استراتژی تهاجمی باید مورد توجه قرار گرفته و در اولویت قرار گیرد. استراتژی‌های SO9، SO3 و SO1 دارای بالاترین امتیاز هستند و به ترتیب به عنوان اولویت‌های اول، دوم و سوم شناخته می‌شوند. استراتژی SO9 باعث توسعه بازارهای مرزی و صادرات کالاهای داخلی و واردات کالاهای افغانی به ایران می‌شود. SO3 الگوهای مصرف را در بین مهاجران ترویج می‌کند، و بازارهای داخلی و فرامرزی را توسعه می‌دهد که به رشد اقتصادی کمک می‌کند. SO1 افزایش نیروی کار و تنوع ساختارهای قومی را در جامعه افزایش می‌دهد که می‌تواند شهرها و مناطق مختلف را با هم در ارتباط بیشتر قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: ادغام اجتماعی، مهاجران، اتباع افغانستانی، ایران.

استاد به این مقاله: فرجامی‌کیا، هادی؛ شیرخانی، علی (۱۴۰۲). راهبردهای ادغام اجتماعی اتباع افغانستانی در جمهوری اسلامی ایران. سیاست‌پژوهی ایرانی، ۱۰(۴)، ص ۱۲۵-۱۵۰.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۶؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان



۱. مقدمه

کشور ایران طی چند دهه اخیر پذیرای جمعیت بزرگی از مهاجران بوده است. در این بین، اتباع کشور افغانستان از اواخر دهه ۵۰ شمسی به بعد، به سبب ناآرامی‌های سیاسی و متعاقباً وضعیت جنگی در افغانستان و نیز نظر به همسایگی، هم‌زبانی و اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی، رهسپار نواحی گوناگون ایران شده‌اند. سیاست دولت ایران در قبال مهاجران افغانستانی در طول زمان شاهد دگرگونی‌های زیادی بوده است، سیاست «درهای باز» و «عدم پذیرش» و بازگشت به وطن؛ لیکن به سبب فقدان شرایط لازم در کشور افغانستان، روند بازگشت اتباع افغانستانی مقیم ایران بسیار کند یا حتی منفی بوده است. با این وجود پس از گذشت حدود ۴۴ سال از جریان انقلاب، مشاهده می‌شود که همچنان دولت، برنامه منسجم و منظمی در قبال اتباع افغانستانی ندارد؛ ولی از نظر جامعه‌شناسی سیاسی لازم است، برای افرادی که سالیان سال در ایران سکونت کرده‌اند و در جریان جامعه‌پذیری ایران قرار گرفته‌اند، اقدامات لازم جهت ادغام اجتماعی صورت پذیرد.

مهاجرت اتباع افغانی عمدتاً در پی جنگ‌ها و ناآرامی‌های داخلی صورت گرفته است و آنان اغلب در قالب پناهندگان و آوارگان وارد ایران شده‌اند. در نتیجه مهاجرت آنها با مسائل متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هم برای مهاجرین و هم برای جامعه مقصد همراه بوده است. از سوی دیگر، قوانین و سیاست‌های مهاجرتی در اغلب کشورهای مهاجرپذیر نیز، یکی از مسائل مهم اجتماعی هم برای سیاست‌گذاران و هم برای افکار عمومی است (نصر اصفهانی و حسینی، ۱۳۹۵). افزون بر آن، اثر مسئله مهاجرت بر جامعه میزبان و چگونگی پذیرش و انطباق مهاجران بر اهمیت موضوع می‌افزاید. حضور چند میلیون نفری مهاجران افغانی در طی چهار دهه گذشته سبب شده است، این پدیده به یکی از مسائل مهم اجتماعی ایران مبدل شود و در جامعه فعلی ایران تقریباً به یک پدیده مانا و پایا تبدیل شده است. تاحدی که نهادهای سیاست‌گزار امنیتی و غیرامنیتی نسبت به حضور اتباع افغانستانی حساسیت‌ها و ملاحظات جدی دارند و از اندیشکده‌ها و پژوهشکده‌های مختلف به طور مستمر درخواست دارند، برآوردهای اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی حضور اتباع افغانستانی در داخل کشور را ارائه دهند.

براساس گفتمان مسلطی که در نهادهای حاکمیتی نسبت به اتباع افغانستانی وجود دارد، دو رویکرد قابل مشاهده است: رویکرد اول، رویکرد اجتماعی و فرهنگی است. در این خصوص، مقام معظم رهبری در فرامین خود دستوراتی را در حمایت از اتباع افغانی صادر فرمودند؛ از جمله ثبت نام فرزندان مهاجران افغانی در مدارس سراسری کشور بود، که گشایش‌هایی را برای آنان در برداشت. همچنین نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز قانون اعطای تابعیت برای فرزندان حاصل از ازدواج

زنان ایرانی با مردان افغانستانی را به تصویب رساندند.

رویگرد دوم، رویکرد امنیتی و انتظامی است؛ که حضور اتباع افغانی را تهدیدی برای امنیت کشور به حساب می‌آورد؛ اما هیچ مطالعه آکادمیک دقیقی در مورد پیامدهای امنیتی حضور اتباع افغانستانی در ایران صورت نگرفته است. این موضوع زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بسیاری از اتباع افغانی در ایران سال‌ها زندگی کرده‌اند؛ به طوری که نسل دوم و سوم آنها در ایران متولد و بزرگ شده‌اند؛ تا جایی که حتی افغانستان را ندیده‌اند؛ مانند یک ایرانی فکر و زندگی می‌کنند و به ایران تعلق خاطر دارند؛ اما از حقوق شهروندی برخوردار نیستند. با توجه به این شرایط، باید به این سؤال پاسخ داد که با چه مکانیسم‌هایی، فرایند ادغام اجتماعی جمعیت مهاجر افغان در جامعه ایران، محقق می‌گردد؟ به عبارت روشن‌تر، تحقیق حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که «راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در خصوص ادغام اجتماعی اتباع افغانستانی چیست و پیامدهای آن کدامند؟»

۲. مهاجرت

جمعیت‌شناسان معمولاً مهاجرت را در دو نوع اساسی آن مطالعه می‌کنند. یکی مهاجرت داخلی که ناظر بر تحرکات و جابجایی مکانی جغرافیایی جمعیت در محدوده مرزهای قانونی یک کشور معین است و نوع دوم آن که شکل برجسته‌تری به حساب می‌آید، مهاجرت از کشوری به کشور دیگر است. امروزه مهاجرت‌های بین‌المللی کانون توجه بسیاری از دانشمندان و دولتمردان قرار گرفته است (میرزایی، ۱۳۹۶). پدیده مهاجرت، تأثیرات گسترده و عمیقی در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مبدأ و مقصد ایجاد می‌کند؛ حتی می‌تواند ترکیب قومی، نژادی و فرهنگی کشورهای مقصد مهاجرت را نیز کم‌وبیش تحت تأثیر قرار دهد (زنجانی، ۱۳۹۳).

به طور کلی نظریات مطرح شده در خصوص مهاجرت را به ۴ دسته کلی می‌توان تقسیم نمود:

۲-۱. نظریات کلاسیک

نظریات کلاسیک که دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مطرح شد. این نظریات به طور کلی مهاجرت را عاملی برای تحرک اجتماعی و اقتصادی و نتیجه آن را در کشور مقصد، جذب یا حل مهاجر در نظام ارزشی مسلط می‌داند (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۰۹). این دیدگاه در جامعه‌شناسی مهاجرت بر تبیین دلایل و پیامدهای مهاجرت استوار است. بنابراین، از دیدگاه این نظریات، مهاجرت ناشی از عدم تعادل اقتصادی و اجتماعی موجود بین مناطق مختلف است و هرگونه تغییری که در جامعه روی می‌دهد، در جهت برقراری تعادل و هماهنگی است. این دیدگاه نه تنها از لحاظ علتی که برای مهاجرت ذکر می‌کند، بلکه از لحاظ آثار و پیامدهایی هم که برای مهاجرت بیان می‌نماید، مورد

انتقاد است؛ زیرا مهاجران در محیط مقصد جذب محیط نمی‌شوند و حتی در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان سوم، مهاجران در حاشیه شهرها سکونت می‌گزینند (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۵-۲۳۶). نکته قوت این دسته نظریات آن است که به کارکردهای مثبت مهاجرت توجه می‌کنند.

۲-۲. نظریات مکتب تضاد

نظریات مکتب تضاد طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مطرح می‌شد که دیدگاه منفی نسبت به مهاجرت داشتند. آنها مهاجرت را حاصل ساختارهای نابرابر اجتماعی در نظام بین‌الملل می‌دانستند که منجر به انتقال سرمایه انسانی و اجتماعی از کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته و در نتیجه تشدید وابستگی می‌گردد. قوت این دسته از نظریات توجه به آسیب‌های مهاجرت از جمله شکل‌گیری تبعیض و نابرابری در دو جامعه مبدأ و مقصد است. ایراد وارد بر این نظریات نیز آن است که نقش کارگزار را نادیده و نقش ساختار را برجسته می‌نمایند (وئوقی و حجتی، ۱۳۹۱، ص ۲۷). همچنین مهاجرت از دید این نظریات، یک امر کاملاً استثماری است و ادامه آن باعث گسترش هرچه بیشتر عدم توسعه می‌شود. اگر قرار باشد برای حل مسئله مهاجرت به این نظریات بسنده شود، به نظر می‌رسد که معضل مهاجرت در سطح یک کشور حل شدنی نباشد، مگر آنکه تحولی در نظام جهانی به وجود آید (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۵).

۲-۳. نظریات تلفیقی

نظریات تلفیقی از دهه ۱۹۹۰ به بعد مطرح شد. این دسته از نظریات، سعی در برقراری پیوند بین دو سطح تحلیل خرد و کلان می‌نمایند. در عین حالی که ساختار اجتماعی بر حرکت مهاجر تأثیر می‌گذارد، مهاجر نیز به سهم خود بر ساختارهای جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و سایر ابعاد جامعه در دو سوی حرکت مهاجرت تأثیر می‌گذارد (ارشاد و صدف، ۱۳۸۹، ص ۶۶).

۲-۴. نظریات سیستمی

این نظریات برخلاف نظریات «توافق‌گرایی» و «تضادگرایی»، مهاجرت را به منظور تطابق با تحولات اقتصادی و اجتماعی می‌انگارند. مهاجرت از دیدگاه سیستمی علل چندگانه دارد و در جهت پخش، سازگاری و انطباق است و نتیجه آن در مقصد انطباق چند فرهنگ می‌باشد. شکل بسیط و توسعه‌یافته نظریه سیستمی، مدل سایبرنتیکی است (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۰۹). سایبرنتیک به علمی می‌گویند که از یک سو، سیستم‌های نسبتاً باز را از جهت تبادل اطلاعات میان آنها و محیطشان مورد مطالعه قرار می‌دهد و از سوی دیگر، به بررسی ساختار این سیستم‌ها از دیدگاه

تبادل اطلاعات میان عناصر مختلفشان می‌پردازد. جامع‌ترین تلاشی که سایبرنتیک را در یک تئوری عمومی جامعه‌شناسی به کار گرفت، توسط تالکوت پارسونز^۱ انجام شد (ابراهیمی و فرج پهلوی، ۱۳۸۹، ص ۳).

۳. ادغام اجتماعی

ادغام اجتماعی از موارد اساسی در خصوص مهاجرت است؛ بنابراین، برای پرداختن به این موضوع ابتدا باید این متغیر مورد واکاوی قرار گیرد.

۳-۱. تعریف ادغام اجتماعی

ادغام اجتماعی گروه‌های اقلیت را قادر می‌سازد، تا شبکه‌ای از روابط و گرایش‌های مبتنی بر احترام متقابل و اعتماد را -که در ادبیات رایج علوم اجتماعی به آن سرمایه اجتماعی^۱ می‌گویند- نسبت به یکدیگر حفظ و تداوم بخشند. به بیان دیگر، فرهنگ شهروندی محصول محیط نهادی و کیفیت روابط فردی و اجتماعی یک اجتماع است. ریشه اندیشه سرمایه اجتماعی که «کلمن^۲» آن را بسط داد، به آثار «بورديو^۳» بازمی‌گردد. همچنین نظریه‌های اقتصادی در مورد سرمایه انسانی و روابط خانوادگی که «بیکر^۴» به شرح و بسط آن پرداخت (بیکر، ۱۹۷۶)، در رواج این مفهوم مؤثر بوده است.

۳-۲. رابطه ادغام اجتماعی با سرمایه اجتماعی

کلمن سرمایه اجتماعی را با توجه به کارکردهای آن، به عنوان «گستره‌ای از امکانات مختلف تلقی می‌کند که بخشی از ساختار اجتماعی محسوب می‌گردد و به واسطه آن، بعضی اعمال کنشگران تسهیل می‌شود (کلمن^۳، ۱۹۸۸م، ص ۱۰۷). با این حال برای بورديو سرمایه اجتماعی به منزله مجموع منابع حقیقی و بالقوه‌ای به‌شمار می‌آیند، که با تصاحب شبکه پایداری از روابط متقابل، کم و بیش نهادی مرتبط شده به هم هستند. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی وابسته به عضویت در گروهی است که حمایت دسته جمعی را برای اعضای خود به ارمغان می‌آورد (بورديو^۳، ۱۹۸۶م، ص ۲۲). اعتماد و همکاری غالباً به عنوان عناصر اصلی تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود و اعتقاد بر

1. Social inclusion

2. Becker

3. Coleman

3. Bourdieu

3. Talcott Parsons

4. Bourdieu

این است که وجود آنها، کیفیت خاصی به روابط اجتماعی می‌بخشد و همبستگی جمعی را تقویت می‌کند.

بدین ترتیب، سازگاری یا عدم سازگاری فرهنگ (یا عمل) شهروندی با خاستگاه اولیه گروه‌های اقلیت و جامعه میزبان، متغیر مهمی است که هم بر منابع سرمایه انسانی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. کیفیت و شدت این سرمایه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در مرزبندی‌هایی که همبستگی‌های قومی بین حوزه‌های خصوصی و عمومی خود و بالطبع رفتار شهروندی خود برقرار می‌کنند، ایفا می‌کند. برای مهاجرین، انتقال از یک نوع شهروندی در کشور مبدأ به نوع دیگر (کشور مقصد) گاه معضلاتی را در پی دارد که هم منعکس‌کننده استراتژی‌ها، منابع، سرمایه‌ها و تعاملات درون گروهی آنهاست و هم بستر بیرونی که در آن قرار دارند. به نظر می‌رسد این مشکلات در میان گروه‌های قومی، دینی و به خصوص مسلمانان شدیدتر باشد. تعهد بیشتر مسلمانان به ایمان خود به عنوان یک ایدئولوژی و یک شیوه زندگی، فرهنگ شهروندی آنها را متفاوت از گروه‌هایی که پابندی کم‌تری به دین دارند، همچون هندی‌ها، آفریقایی‌های حوزه دریای کارائیب و گروه‌های مشابه ساخته است. مرزبندی‌هایی که اقلیت‌های قومی بین حوزه‌های خصوصی و عمومی برقرار می‌کنند، شدید متکی به معیارهایی باشد که دولت‌های ملی میزبان از شهروندان و حقوق و مسئولیت‌های آنها دارند.

۴. پیشنهاد پژوهش

در ارتباط با ادغام اجتماعی مهاجران و مشکلات آنها مطالعات مختلفی در سراسر جهان و به خصوص ایران انجام شده است که در ادامه با دسته‌بندی بر مطالعات داخلی و خارجی به برخی از جدیدترین آنها اشاره می‌شود:

علاءالدینی و میرزایی (۱۳۹۷)، مطالعه‌ای با عنوان «ادغام مهاجران افغانستانی در نواحی شهری ایران: مطالعه موردی محله هرنندی در تهران» انجام دادند. این مقاله به وضع مهاجران افغانستانی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و اسکان آنها در محله هرنندی منطقه دوازده شهر تهران می‌پردازد. همچنین، رویکردهای جامعه میزبان نسبت به حضور افغانستانی‌ها در هرنندی در کنار فعالیت نهادهای خدمات‌دهنده در محله و تأثیر آنها بر شرایط زندگی مهاجران بررسی می‌شود. اطلاعات لازم طی پژوهش میدانی از طریق مشاهده، مصاحبه‌های نیمه ساختارمند، بحث‌های گروهی متمرکز با سازمان‌های مردم‌نهاد محله، گروه‌های مختلف مهاجران، ساکنان ایرانی و مسئولان محلی و دیگر ذی‌نفعان و نیز بررسی اسناد مدیریت شهری گردآوری شده است. یافته‌ها حکایت‌گر میزانی از ادغام مهاجران افغانستانی در محله هرنندی است. افزون بر این، در بین مهاجران افغانستانی ساختار شغلی خاصی در پیوند با فرصت‌ها و به ویژه اقتصاد غیررسمی محله شکل گرفته است.

همچنین، پایداری سکونت این ساکنان تا حد زیادی به واسطه خدمات ارائه شده توسط سازمان‌های مردم‌نهاد، امکانات شغلی، هزینه‌های نسبتاً پایین مسکن و نگاه مثبت بیشتر جامعه میزبان به مهاجران در محله حاصل شده است. در عین حال، حس مسئولیت در مدیریت شهری در قبال مهاجران افغانستانی ایجاد نشده، در نتیجه چارچوب‌های مورد نیاز و مناسب با موقعیت آنان نیز در محله صورت‌بندی و ایجاد نشده است.

عسگریان (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان «تبیین تجربه عدم ادغام اجتماعی ایرانیان مهاجر سوئد» بیان می‌دارد، که مهاجرت و جابه‌جایی مکانی انسان‌ها، به عنوان موضوعی پایدار در رشته‌های گوناگون علوم انسانی و اجتماعی، توجه پژوهشگران را به خود معطوف داشته است. ۱۲ نفر از ایرانیان مهاجر سوئد در شهر استکهلم در این مطالعه مشارکت داشتند. بررسی نتایج پژوهش نشان داد که مهم‌ترین چالش‌هایی که مهاجران در عدم ادغام اجتماعی تجربه کردند، شامل یادگیری زبان، پیدا کردن شغل، نداشتن مسکن، مشکل ارتباطات اجتماعی و سیاسی و اختلافات فرهنگی بوده است. با توجه به تجربیات مشارکت‌کنندگان ادغام نیافته، طولانی بودن دوره‌های آموزشی زبان، مشکلات جدی برای ایشان ایجاد کرده است؛ زیرا باعث سرخوردگی آنان شده است و به همین دلیل تمام پیامدهای مثبت ناشی از یادگیری زبان را از دست داده و نتوانسته‌اند با جامعه سازگار شوند. علاوه بر این معتقدند، پیدا کردن اولین کار بسیار مشکل بوده است و فقط با داشتن معرف تسهیل می‌شود. در کنار این دو مشکل، موضوع محل سکونت، از نظر آنها یک مسئله جدی است که در صورت تأمین نبود آن، فرایند ادغام طولانی‌تر و پیچیده‌تر می‌گردد. موارد دیگر شامل سطح تحصیلات پایین‌تر و تعاملات فردی و اجتماعی کم‌تر با افراد در جامعه مقصد می‌شود که چالش‌های تأثیرگذار در عدم ادغام اجتماعی را پررنگ‌تر نموده است. اما در نهایت و براساس نظر مصاحبه‌شوندگان، سه فاکتور اول شامل زبان، کار و مسکن، فاکتورهای تعیین‌کننده وضعیت ادغام به‌شمار می‌روند که نبودشان مانع و وجودشان تسهیل‌کننده این فرایند است.

زرقانی و همکاران (۱۳۹۶)، در خصوص مدیریت مهاجران افغانستانی در کشور به این نتایج دست یافته‌اند: ۱- لزوم هماهنگی بیشتر بین سازمان‌های مختلف متولی و تدوین برنامه مدون و دقیق درباره مهاجران خارجی به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم، قاچاق و سواستفاده اطلاعاتی بیگانگان و نیاز به کنترل و مدیریت اتباع خارجی و افغانستانی مشاهده می‌گردد؛ ۲- ضرورت به روز کردن

قوانین و اجرای دقیق آن و تهیه آمار صحیح درباره مهاجران خارجی در جهت جلوگیری از تغییر بافت کالبدی شهرها و روستاها، ازدواج‌های غیرقانونی و تغییر هرم سنی جمعیت، به نظر مهم و کاربردی می‌آید. به نظر می‌رسد، این مقاله توانسته است وضعیت موجود را به خوبی شرح دهد؛ زیرا در خصوص مدیریت مهاجرین در ایران بعضاً نقاط ضعف بسیاری مشاهده می‌گردد که ظرفیت‌های دولت برای حل این مشکلات بسیار محدود است.

ایکسیا و ما^۱ (۲۰۲۰)، نیز در مقاله‌ای با عنوان «ادغام اجتماعی، استرس درک شده، مکان کنترل و بهزیستی روانشناختی در میان مهاجران بالغ چینی» ضمن تجزیه و تحلیل فرایند شرطی، به تعیین عوامل اساسی رابطه بین ادغام اجتماعی و سه بُعد بهزیستی روانشناختی، در یک نمونه نماینده ملی از مهاجران بالغ در حال ظهور در چین، پرداخته است. نتایج نشان داد، ادغام اجتماعی پیش‌بینی‌کننده اصلی بهزیستی روانشناختی در میان مهاجران بالغ در حال ظهور در چین بود. محل کنترل اثرات غیرمستقیم، ادغام اجتماعی را در بهزیستی روانشناختی با تضعیف اثر «بافر» ادغام اجتماعی بر استرس درک شده تعدیل می‌کند. علاوه بر این، منبع کنترل نیز اثرات منفی استرس درک شده را بافر می‌کند.

مهران اونگ و همکاران^۱ (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان «شیوه‌های ادغام اجتماعی در بین جوانان چند قومی» تلاش دارد، سطح شیوه‌های ادغام اجتماعی در بین جوانان چند قومی در مالزی را مشخص کند. این مقاله به ۲۰ عنصر ادغام اجتماعی اشاره دارد که از چهار ساختار اصلی، یعنی پذیرش اجتماعی، سازش، سازگاری فرهنگی و قدردانی استخراج شده است.^۱ در این مطالعه از طرح تحقیق پیمایشی و پرسش‌نامه برای جمع‌آوری داده‌های ۱۶۰۰ جوان چند قومی در سنین ۱۹ تا ۲۹ سال استفاده شده است. آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از چهار منطقه مالزی انتخاب شدند. سپس داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) با تمرکز بر رتبه‌بندی فراوانی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بیشتر پاسخ دهندگان اغلب پذیرش اجتماعی و تقدیر فرهنگی را انجام می‌دهند؛ اما کم‌تر سازش و سازگاری فرهنگی را تجربه می‌کنند. سازگاری فرهنگی چالش برانگیزترین اقدام در بین جوانان چند قومی بود. این مهم به اهمیت برنامه‌های اقدام استراتژیک برای ارتقاء وحدت در بین جوانان چند قومی اشاره دارد.

سahین^۲ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «ادغام اجتماعی مهاجران: تجزیه و تحلیل SWOT» بیان می‌دارد، جنگ داخلی در سوریه یک بحران بشردوستانه در مقیاس بزرگ ایجاد کرد، که باعث

1. Awang

2. Şahin

مهاجرت گسترده مردم به هفت میلیون نفر در کل شد. بزرگ‌ترین کشور همسایه (ترکیه) دارای بیشترین تعداد پناهندگان سوری (بیش از ۲/۷ میلیون نفر) است. به انتظار حل سریع این درگیری و اعزام مهاجران به عقب، کشور میزبان فقط اقدامات موقت تساهل‌آمیز انجام داده است. این مطالعه گزینه‌هایی را که ترکیه برای مسئله مهاجرت در اختیار داشت، بررسی کرده است.

وی و گائو^{۱۱} (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان «رسانه‌های اجتماعی؛ ادغام اجتماعی؛ رفاه ذهنی؛ مهاجران جدید شهری؛ تغییر اجتماعی» بیان می‌دارند، نسل فعلی مهاجران در شهرهای چین با نام «مهاجران جدید شهری» ارتباط نزدیکی با تحولات اجتماعی در چین امروز دارد. از آنجا که این مهاجران شهری به طور فزاینده به رسانه‌های جدید، به ویژه رسانه‌های اجتماعی برای اخبار، سرگرمی‌ها و تعامل اجتماعی وابسته هستند، مهم است که مشخص شود که چگونه استفاده از رسانه‌های اجتماعی به ادغام اجتماعی و بهزیستی ذهنی آنها کمک می‌کند. براساس یک نظرسنجی آنلاین، این مطالعه، رابطه مثبت بین استفاده از رسانه‌های اجتماعی جدید مهاجران شهری و بهزیستی ذهنی آنها و همچنین رابطه غیرمستقیم ممکن از طریق ادغام اجتماعی را مشخص کرد. علاوه بر آن، این مطالعه توانست، اثرات مثبت کلی روانی از استفاده رسانه‌های اجتماعی در مهاجران شهری چینی را پیدا کند. به طور خاص، این مطالعه نشان داد که استفاده از رسانه‌های اجتماعی می‌تواند به ادغام اجتماعی آنها از جمله ایجاد هویت و شبکه اجتماعی و همچنین مشارکت اجتماعی در دنیای واقعی کمک کند. ادغام اجتماعی جدید مهاجران شهری، به ویژه سطح هویت اجتماعی آنها، به طور قابل توجهی با بهزیستی ذهنی آنها در ارتباط است. با توجه به تحقیقاتی که ذکر شد، این پژوهش در دو بُعد با دیگر متون ادبیات تحقیق در باب پدیده «ادغام اجتماعی» و مهاجران افغان تفاوت دارد:

اولاً، تاکنون تحقیقی با رویکرد «سیاسی» و از منظر «علوم سیاسی» به پدیده راهبردهای ادغام اجتماعی اتباع افغانستانی در ساختار سیاسی ایران- که جمهوری اسلامی است- اشاره نداشته و از این منظر این پژوهش اولین است؛ ثانیاً روش تحقیق که مبتنی یک گزارش توصیفی با استفاده از تکنیک SWOT است، عرصه عینی را در تحقیقات علوم سیاسی گشوده و در نوع خود اولین است.

۵. روش تحقیق

تحقیق پیش‌رو، از نظر ماهیت کیفی، از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه اجرا ترکیبی از تحلیلی توصیفی است. روش پژوهش نیز به دلیل ساختار موضوع، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. پس از بررسی

منابع مختلف و استفاده از دیدگاه متخصصان و کارشناسان حوزه مهاجرت، قوت‌ها و ضعف‌ها (داخلی)، فرصت‌ها و تهدیدها (خارجی) در بحث مهاجران افغانستانی شهرستان ورامین شناسایی شدند. برای اولویت‌بندی راهبردهای حاصل از تکنیک SWOT، با نظر استادان، کارشناسان و افراد دارای تحصیلات تکمیلی مربوط به بحث مهاجرت و با استفاده از سیستم امتیازدهی ۱ تا ۹ ساعتی و مدل ANP، پس از مشخص شدن امتیازهای هریک از معیارها و زیر معیارها، راهبردهای به دست آمده در بحث مهاجران افغانستانی شهرستان ورامین ارزیابی و اولویت‌بندی شدند. جامعه آماری این پژوهش، کارشناسان اداره امور اتباع و مهاجران شهرستان ورامین، اداره کل گذرنامه شهرستان ورامین، نیروی انتظامی شهرستان ورامین، نمایندگی وزارت امور خارجه کشور و استادان و متخصصان دانشگاهی بود که مجموعاً ۱۱۳ نفر تخمین زده شد. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۸۷ نفر به دست آمد که به صورت نمونه در دسترس انتخاب شدند. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات، دو روش کتابخانه‌ای و میدانی به کار برده شد. در بخش میدانی از ابزار پرسش‌نامه پژوهش ساخته با چهار مؤلفه SWOT به صورت تشریحی استفاده گردید که در نهایت در چهار حالت کلی WT, ST, WO, SO پیوند خوردند.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه راهبردهای ادغام اجتماعی اتباع افغانستانی در جمهوری اسلامی ایران، با توجه به کیفی بودن اطلاعات از مدل SWOT برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و راهبردهای برتر چگونگی ادغام اجتماعی اتباع افغانستانی استفاده گردید. سپس برای ساختن ماتریس از عوامل درونی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و از عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) بهره برده شد. در نهایت، ارزش‌گذاری و تحلیل آنها در پنج مرحله به شرح زیر پی‌جویی شده است:

فهرستی از نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در محدوده مطالعاتی به عنوان معیارهای مورد سنجش تهیه و تکمیل شده است. سپس با تلفیق AHP و SWOT، به تحلیل و مقایسه زوجی، به تفکیک هر یک از عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدیدهای موجود و وزن‌دهی به هر یک از عوامل اقدام شد. ماتریس نهایی اولویت‌های بین عوامل بیان شده به کمک وزن‌دهی به روش AHP تعیین و استخراج شده است. پس از آن با توجه به اهمیت یافته‌ها و در نظر گرفتن محدودیت‌های اجرایی، اولویت‌های برتر تعیین و درجه‌بندی شدند. در نهایت نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در چهار حالت کلی WT, ST, WO, SO پیوند خوردند و گزینه‌های راهبردی خلق و انتخاب شدند.

۶. یافته‌های پژوهش

مرحله اول، شناسایی مهم‌ترین عوامل و شاخص‌های تأثیرگذار در هر یک از قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها و تعیین راهبردهای مناسب با توجه به زیرمعیارهای هر یک از آنها است. از

برآیند دیدگاه‌های پاسخگویان، در مجموع عوامل درونی شامل ۱۰ قوت و ۱۷ ضعف بود و عوامل بیرونی ۲۰ فرصت و ۲۳ تهدید تشخیص داده شد.

جدول ۱- قوت‌های ادغام اجتماعی حضور مهاجرین افغانستانی در ایران

ردیف	قوت‌ها
۱	افزایش نیروی کار ارزان (کارگری)
S2	ترویج الگوی مصرف در بین مهاجرین
S3	استفاده از نیروهای شبه نظامی با حقوق کم برای پیشبرد اهداف سیاسی مانند شاخه نظامی فاطمیون
S4	کاهش بلاتکلیفی فرزندان که داخل ایران از مادر یا پدر ایرانی به دنیا آمده‌اند.
S5	کاهش تضاد فرهنگی میان مهاجرین و اتباع ایرانی
S6	استفاده از حمایت‌های مالی سازمان ملل متحد در راستای ترویج فعالیت‌های فرهنگی و عمرانی
S7	ایجاد محدودیت برای ورود و اقامت اتباع افغانستانی
S8	وجود زمین‌های مناسب سرمایه‌گذاری و اشتغال

جدول ۲- ضعف‌های ادغام اجتماعی حضور مهاجرین افغانستانی در ایران

ردیف	ضعف‌ها
W1	عدم همگرایی
W2	تحمیل هزینه‌های بهداشتی و دارویی
W3	گم‌گشتگی فرهنگی
W4	کاهش درآمد و دستمزد
W5	بیکاری اتباع ایرانی
W6	حاشیه‌نشینی
W7	نارضایتی اجتماعی
W8	ضعف در اجرای قوانین مربوط به مهاجران خارجی و به روز نبودن این قوانین
W9	نداشتن آمار دقیق و تفصیلی از اتباع افغانی حاضر در کشور و شهرستان
W10	انجام نشدن پژوهش‌های مناسب برای استفاده از پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل مهاجران افغانستانی
W11	نبود محلی به عنوان قرنطینه به منظور ارائه آموزش‌های اولیه و چک کردن مهاجران از لحاظ بیماری‌های واگیردار و سایر بیماری‌ها
W12	برخوردهای نامناسب و دوگانه برخی از مسئولان و مردم با مهاجران
W13	اطلاع‌رسانی ناقص از خدمات ارائه شده به اتباع افغانستانی از سوی جمهوری اسلامی ایران
W14	تفاوت قائل شدن بین مهاجران افغانی و مهاجران سایر کشورها
W15	ایجاد محدودیت‌هایی مانند مالکیت و اجازه کار به مهاجران
W16	گزینشی عمل کردن رسانه‌های داخلی درباره افغانستانی‌ها (بیکاری و بارز جلوه دادن جرائم و...)
W17	نبود شناخت صحیح و اصولی ایرانیان از مهاجران افغانی

جدول ۳- فرصت‌های ادغام اجتماعی حضور مهاجرین افغانستانی در ایران

ردیف	فرصت‌ها
۱	محرومیت از حقوق سیاسی
۲	مناسبات سیاسی
۳	ایجاد امنیت مرزی
۴	رسیدگی سریع و به موقع جرائم و تخلفات مرزی
۵	ساختار متنوع قومیتی
۷	پیوستگی فضایی با فضای جغرافیایی- سیاسی ماوراء مرزهای سیاسی
۸	توسعه بازارچه‌های مرزی که می‌تواند درآمدساز باشد.
۹	استفاده از قابلیت جوان بودن جمعیت مهاجر
۱۰	همگرایی‌های فرهنگی براساس تاریخ مشترک
۱۱	ظرفیت بالقوه مهاجران به عنوان سفیران فرهنگی و اجتماعی در افغانستان
۱۲	اشتراکات قومی، زبانی، دینی، فرهنگ، تاریخی و جغرافیایی
۱۳	سرمایه‌گذاری اقتصادی برخی مهاجران
۱۴	ایجاد مراکز علمی، فرهنگی و اقتصادی در اطراف مرز با مشارکت دو کشور با استفاده از نیروهای مهاجران
۱۵	ایجاد درآمد از طریق جذب دانشجو در دانشگاه‌های استان و کشور
۱۶	ایجاد بازار مناسب برای صادرات کالا به افغانستان با توجه به شناخت مهاجران از ایران
۱۷	وجود نیروهای متخصص و اهل فن در میان مهاجران و امکان استفاده از آن‌ها در توسعه کشور
۱۸	پتانسیل جمعیتی افغانستان و تبلیغ مهاجران در جهت توسعه گردشگری ایران
۱۹	استفاده از ظرفیت فارغ‌التحصیلان افغانستانی در ایران در مدیریت اجرایی و سیاسی افغانستان

جدول ۴- تهدیدهای ادغام اجتماعی حضور مهاجرین افغانستانی در ایران

ردیف	تهدیدها
۱	قاچاق اسلحه و کالاهای اساسی
۲	همکاری با جریانات مخالف
۳	همکاری با شبکه‌های بیگانه در خروج غیرقانونی اتباع ایران از کشور
۴	گسترش فقر و خروج سالانه میلیاردها دلار ارز توسط مهاجرینی که دارای قوم و خویش در افغانستان هستند.
۵	خرید و فروش مواد مخدر
۶	افزایش ازدواج‌های غیررسمی و غیرقانونی مهاجرین با مردم بومی و متولد شدن فرزندان بی‌هویت یا دو هویتی
۷	درگیری‌های مرزی به دلیل مهاجرت غیرمجاز و تلفات انسانی برای هر دو طرف
۸	هزینه‌های زیاد نگهداری و انسداد مرز به دلیل مهاجرت‌های غیرمجاز
۹	تغییر بافت کالبدی شهرها و روستاها و شکل‌گیری محله‌ها و گنوه‌های خاص مهاجران
۱۰	تغییر هرم سنی و جنسی جمعیت کشور
۱۱	امکان فراهم شدن زمینه مطالبات حقوقی و شهروندی و... از سوی مهاجران افغانستانی در آینده

ردیف	تهدیدها
۱۲	انتقال بیماری‌های واگیردار مانند سل، وبا و فلج اطفال که در ایران ریشه‌کن شده بودند و رواج بیماری‌هایی مانند تب کریمه کنگو
۱۳	کنترل ناقص اتباع افغانستانی داخل کشور به ویژه از نظر تردد و محل اسکان

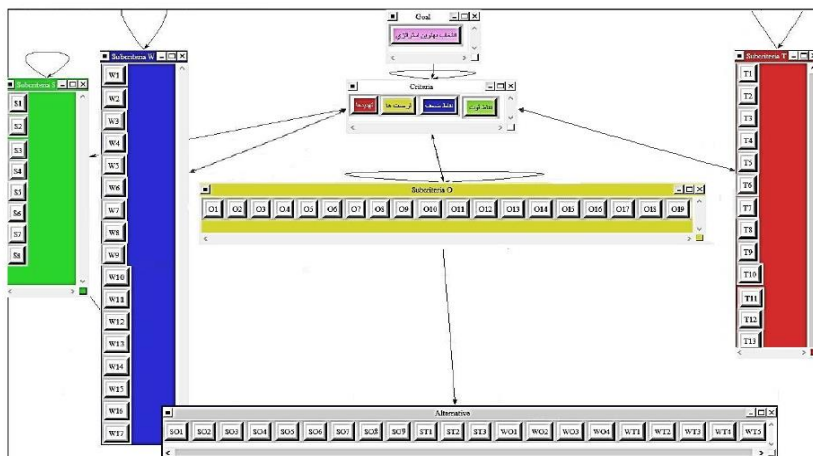
۷. تجزیه و تحلیل SWOT

پس از تکمیل ماتریس SWOT به جایابی عناصر SWOT در فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP) و ارتباط‌های موجود بین عناصر مختلف پرداخته شد، مدل نهایی ANP در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل ۱- جایابی عناصر SWOT در فرایند شبکه

مدل فوق، ارتباط دوسویه بین خوشه‌ها (کلاستر) و ارتباط درونی عوامل اصلی SWOT را نشان می‌دهد. این مدل، یک الگوی چهار سطحی است که هدف آن، انتخاب بهترین راهبرد است. معیارها همان قوت و ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها هستند و زیرمعیارها شامل عوامل ابعاد چهارگانه SWOT می‌شوند. سطح چهارم نیز که با عنوان Alternatives نشان داده شده، شامل راهبردها یا همان گزینه‌ها است. ماتریس ترسیم شده براساس الگوی فوق، در نرم‌افزار Super Decisions در شکل (۲) نشان داده شده است.



شکل ۲- مدل ترسیم شده حاصل از ترکیب ANP و SWOT

همانطور که از شکل (۲) پیداست، مدل این تحقیق دارای ۴ معیار، ۵۷ زیرمعیار و ۲۱ آلترناتیو است. SO1 تا SO9 مربوط به راهبرد (تهاجمی)، آلترناتیوهای ST1 تا ST3 مربوط به راهبرد (رقابتی)، آلترناتیوهای WO1 تا WO4 مربوط به راهبرد (محافظه کارانه) و آلترناتیوهای WT1 تا WT5 مربوط به راهبرد (تدافعی) است. مرحله دوم، مشخص کردن درجه اهمیت عوامل مدل است. با فرض نبود وابستگی متقابل میان عوامل اصلی SWOT، ماتریس مقایسات زوجی عوامل اصلی تشکیل می شود. در این مرحله، عوامل SWOT شامل قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها براساس درجه اهمیت عوامل و تأثیرشان برای رسیدن به هدف، وزن بندی شدند. نحوه امتیازدهی به صورت مقایسه زوجی عوامل با یکدیگر و جدول امتیازدهی ۱ تا ۹ ساعتی بود.

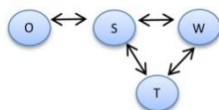
لازم به ذکر است که در انجام دادن مقایسات زوجی به سازگاری ماتریس‌ها توجه شد. بر طبق محاسبات، ماتریس $A = [a_{ij}]$ را سازگار گویند و اگر $a_{ik} * a_{kj} = a_{ij}$ و چنانچه میزان ناسازگاری کم‌تر از ۰/۱ باشد، ماتریس‌های مقایسات زوجی قابل قبول است (ملکی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۷۲).

جدول ۵- ماتریس مقایسه زوجی عوامل SWOT

SWOT	S	W	O	T	درجه اهمیت عوامل SWOT
S	۱	۰/۳۵	۰/۵	۰/۱۶	۰/۰۷۸
W		۱	۲	۰/۵	۰/۲۸۱
O			۱	۰/۵	۰/۱۵۱
T				۱	۰/۵۳۳

CR=۰/۰۰۳ (میزان ناسازگاری)

مرحله سوم، تعیین وابستگی‌های متقابل میان عوامل اصلی: وابستگی‌ها از طریق بررسی تأثیر هر عامل بر عامل دیگر با استفاده از ماتریس‌های مقایسات زوجی مشخص گردید. بر این اساس، وابستگی‌های متقابل میان عوامل اصلی، پس از تجزیه و تحلیل محیط‌های درونی و بیرونی سازمان به دست می‌آید. ارتباط درونی و روابط متقابل معیارها یا همان عوامل اصلی SWOT نیز مطابق با مدل (۳) است:



شکل ۳- مدل ارتباطات درونی معیارها

(ملکی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۳؛ نخعی کمال‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۷)

از آنجا که فرصت‌ها تنها از قوت‌ها تأثیر می‌پذیرند، هیچ ماتریس مقایسه زوجی برای فرصت تشکیل نمی‌شود (ملکی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۳).

جدول ۶- ماتریس مقایسه زوجی عوامل اصلی با توجه به قوت‌ها

SWOT	W	O	T	وزن
W	۱	۳	۰/۴۵	۰/۳۲۱
O		۱	۲	۰/۱۸۵
T			۱	۰/۴۹۱

(میزان ناسازگاری) $CR=۰/۰۳۱$

جدول ۷- ماتریس مقایسه زوجی عوامل اصلی با توجه به ضعف‌ها

SWOT	S	T	وزن
S	۱	۰/۲۵	۰/۲۰
T		۱	۰/۸۰

(میزان ناسازگاری) $CR=۰/۰۰۱$

جدول ۸- ماتریس مقایسه زوجی عوامل اصلی با توجه به تهدیدها

SWOT	S	T	وزن
S	۱	۰/۳۸	۰/۳۰
W		۱	۰/۷۰

(میزان ناسازگاری) $CR=۰/۰۰۰$

مرحله چهارم، محاسبه درجه اهمیت درونی زیرمعیارها (زیرعوامل SWOT): در این قسمت، با

استفاده از جدول نه کمیته ساعتی، اهمیت درونی زیرمعیارهای هر یک از معیارها، به صورت مقایسه زوجی مشخص شد. در چهار ماتریس زیر، به تفکیک مقایسه زوجی، زیرمعیارهای عوامل SWOT شامل قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها و ضریب ناسازگاری کل ماتریس نشان داده شده است.

جدول ۹- ماتریس مقایسه زوجی زیرمعیارهای قوت

قوت‌ها	S1	S2	S3	S4	S5	S6	S7	S8
S1	۱	۱	۱	۰/۴۳	۱	۱	۰/۰۵	۱
S2		۱	۱	۰/۵۱	۱	۱	۱	۱
S3			۱	۰/۴۲	۰/۰۵	۱	۱	۱
S4				۱	۱	۰/۰۵	۰/۳۳	۱
S5					۱	۱	۱	۰/۳۳
S6						۱	۱	۰/۵۰
S7							۱	۱
S8								۱

CR=۰/۰۰۵ (میزان ناسازگاری)

جدول ۱۰ ماتریس مقایسه زوجی زیرمعیارهای ضعف‌ها

قوت‌ها	W1	W2	W3	W4	W5	W6	W7	W8	W9	W10	W11	W12	W13	W14	W15	W16	W17
W1	۱	۱	۱	۲	۲	۳	۴	۴	۵	۵	۶	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
W2		۱	۱	۵	۳	۴	۵	۱	۱	۳	۶	۸	۵	۱	۴	۹	۱۱
W3			۱	۵	۲	۵	۳	۶	۶	۲	۰/۵	۵	۸	۲	۱	۸	۱۱
W4				۱	۱	۵	۱	۵	۴	۳	۰/۵	۶	۵	۳	۲	۶	۹
W5					۱	۲	۳	۸	۴	۳	۳	۸	۹	۵	۴	۸	۹
W6						۱	۲	۳	۳	۱	۵	۳	۵	۸	۳	۵	۸
W7							۱	۲	۱	۶	۹	۴	۳	۹	۱	۴	۸
W8								۱	۲	۸	۹	۰/۵	۲	۱	۱	۱	۸
W9									۱	۰/۵	۵	۰/۵	۰/۲۵	۱	۲	۴	۰/۵
W10										۱	۲	۱	۶	۵	۳	۷	۷
W11											۱	۱	۲	۳	۱	۴	۴
W12												۱	۰/۲۵	۰/۵	۰/۳۳	۰/۵	۰/۲۵
W13													۱	۲	۱	۲	۳
W14														۱	۱	۲	۳
W15															۱	۱	۲
W16																۱	۲
W17																	۱

CR=۰/۰۲۳ (میزان ناسازگاری)

جدول ۱۱ - ماتریس مقایسه زوجی زیرمعیارهای فرصت‌ها

قوت‌ها	O1	O2	O3	O4	O5	O6	O7	O8	O9	O10	O11	O12	O13	O14	O15	O16	O17	O18	O19
O1	۱	۱	۱	۲	۱	۳	۳	۳	۵	۱	۴	۶	۵	۸	۷	۷	۷	۸	۸
O2		۱	۲	-/۵	۲	۵	۱	۴	۱	۳	۶	-/۵	۵	۱	۴	۲	۷	۵	۴
O3			۱	-/۵	۲	-/۳۳	۴	۳	۶	۱	۲	۴	۶	۴	۲	۲	۵	۵	۳
O4				۱	۲	۵	۱	۳	۴	۱	-/۵	۱	-/۵	۱	۳	۶	-/۵	۳	۳
O5					۱	-/۵	۲	۳	۴	۷	۳	۱	۷	۳	۴	۲	۴	۱	۳
O6						۱	۲	۳	۳	۱	۱	۲	۵	۶	۵	۵	۳	۱	۳
O7							۱	۱	۱	۶	۶	۴	۱	۵	۱	۳	۳	۱	۱
O8								۱	۲	۶	۴	-/۳۳	۲	۱	۲	۱	۳	۳	۲
O9									۱	-/۳۳	۵	۲۵	-/۲۵	۲	۱	۴	-/۵	۲	۳
O10										۱	۳	۱	۲	۴	۱	۱	۴	۵	۳
O11											۱	۱	۲	۳	۱	۴	۴	۳	۱
O12												۱	-/۲۵	-/۵	-/۳۳	-/۵	-/۲۵	-/۳۳	۶
O13													۱	۲	۱	۲	۳	۱	۱
O14														۱	۱	۱	۲	۱	۱
O15															۱	۱	۲	۲	۳
O16																۱	۲	۲	۲
O17																	۱	۱	۱
O18																		۱	۲
O19																			۱

CR=۰/۰۰۵ (میزان ناسازگاری)

جدول ۱۲ - ماتریس مقایسه زوجی زیرمعیارهای تهدیدها

تهدیدها	T1	T2	T3	T4	T5	T6	T7	T8	T9	T10	T11	T12	T13
T1	۱	۵	۱	۱	۱	۴	۳	۴	۳	۱	۵	۶	۶
T2		۱	۱	۱	-/۵	-/۵	۱	۳	۲	۴	۶	-/۳۳	۱
T3			۱	-/۰۵	۲	-/۵	۴	۳	۳	۱	۶	۶	۷
T4				۱	۱	۳	۳	۱	۱	۱	-/۳۳	۱	۲
T5					۱	-/۵	۲	۳	۴	۷	۳	۱	۴
T6						۱	۲	۳	۳	۱	۱	۲	۴
T7							۱	۱	۱	۶	۶	۴	۴
T8								۱	۲	۳	۲	-/۳۳	۱
T9									۱	۱	۱	-/۵	۳
T10										۱	۳	۱	۲
T11											۱	۳	۱
T12												۱	-/۵
T13													۱

CR=۰/۰۱۴ (میزان ناسازگاری)

مرحله پنجم، محاسبه درجه اهمیت راهبردها با توجه به معیارها و زیرمعیارها و روابط میان آنها: در مراحل پیش از محاسبه اهمیت و اولویت‌بندی راهبردها، به ترتیب سوپرماتریس‌های غیروزنی، سوپرماتریس وزنی و سپس ماتریس محدود تشکیل و محاسبه گردید. شایان ذکر است که همه مراحل فرایند مذکور به وسیله نرم‌افزار Super Decisions صورت گرفت. از آنجایی که در این روش محقق تنها باید مدل مورد استفاده در تحقیق را به درستی طراحی کند و مقایسات زوجی را انجام دهد؛ در این پژوهش اولویت‌بندی نهایی راهبردها ارائه می‌شود. ابتدا راهبردهای مختلفی که از میان زیرمعیارهای قوت، ضعف، فرصت و تهدید استخراج شده‌اند، ذکر می‌شوند.

جدول ۱۳- راهبردهای SO (راهبردهای تهجمی)

شماره	راهبرد
۱	افزایش نیروی کار باعث افزایش تنوع ساختارهای قومی در جامعه می‌شود که می‌تواند شهرها و مناطق مختلف را با هم در ارتباط بیشتر قرار دهد (S1+O5+S7).
۲	افزایش نیروی کار ارزان در راستای ورود مهاجران جوان محقق می‌گردد، از آنجایی که نیروی جوان دارای قابلیت‌های گسترده می‌باشد، نتیجه آن می‌تواند سرمایه‌گذاری این نیروها در داخل ایران باشد (S1+O9+O13).
۳	ترویج الگوی مصرف در میان مهاجران باعث توسعه بازارچه‌های داخلی و مرزی می‌شود که به رشد اقتصادی کمک می‌کند (S2+O8).
۴	استفاده از نیروهای شبه نظامی جهت ایجاد امنیت مرزی و فرامرزی ایران (S3+O3).
۵	کاهش محرومیت‌های سیاسی فرزندان ناشی از پدر و مادران مهاجرین با اتباع ایرانی.
۶	ایجاد مناسبات سیاسی باعث کاهش تضاد فرهنگی میان مهاجرین و اتباع می‌گردد (S4+O1).
۷	ایجاد مراکز علمی، فرهنگی و اقتصادی باعث کاهش تضاد فرهنگی میان مهاجرین و اتباع ایرانی می‌شود (S5+O14+O19).
۸	ایجاد محدودیت‌های ورود و خروج اتباع، امنیت مرزی و بهره‌برداری مناسب از نیروهای متخصص را به دنبال دارد (S7+O3+O17).
۹	وجود زمینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری و اشتغال، می‌تواند بازارچه‌های مرزی را توسعه دهد و موجب صادرات کالاهای داخلی و واردات کالاهای افغانی به ایران شود. این امر می‌تواند به اینگونه سرمایه‌گذاری‌ها سرعت بخشد (S8+O8+I3+O16).

جدول ۱۴- راهبردهای ST (راهبردهای رقابتی)

شماره	راهبرد
۱	افزایش نیروی کار ارزان باعث تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور نگهداری از مرزها جهت ممانعت از ورود غیرقانونی به داخل می‌گردد. از سوئی عدم کنترل این نیروی کار می‌تواند باعث ازدواج اتباع با ایرانی‌ها شود، که این امر هزینه‌های اجتماعی خاص خود را به دنبال دارد (S1+T4+T6+T8+T13).
۲	استفاده از نیروهای شبه نظامی می‌تواند به افزایش ازدواج‌های غیررسمی و غیرقانونی مهاجرین بینجامد. از سوئی این نیروهای شبه نظامی مطالبات حقوقی و شهروندی را خواهان هستند (S3+T6+T11).
۳	ایجاد محدودیت برای ورود باعث کاهش قاچاق اسلحه و کالاهای اساسی از یک‌سو، کاهش خرید و فروش مواد مخدر از سوی دیگر می‌شود. همچنین می‌تواند از ازدواج‌های غیرقانونی جلوگیری نماید (S7+T1+T5+T6).

جدول ۱۵- راهبردهای WO (راهبردهای محافظه‌کارانه)

شماره	راهبرد
۱	توسعه بازارهای مرزی می‌تواند درآمدزا باشد. همچنین ایجاد بازار مناسب برای صادرات کالا به افغانستان- با توجه به شناسایی مهاجران از ایران- موجب کاهش بیکاری شهروندان ایرانی و افزایش درآمد و دستمزد می‌شود (W4+ W5+O8+O13).
۲	استفاده از استراتژی‌های مدیریت در قالب همگرایی‌های فرهنگی براساس تاریخ مشترک و اشتراکات قومی، زبانی، مذهبی، فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی، موجب کاهش عدم همگرایی و گمگشتگی فرهنگی مهاجران می‌شود (W3+O10+O12).
۳	با ایجاد امنیت مرزی و بررسی سریع و به موقع جنایات و تخلفات مرزی، می‌توان از فقدان آمار دقیق شهروندان افغانی حاضر در کشور و شهرها جلوگیری کرد (W9+O3+O4).
۴	با توسعه استراتژی‌های بازارهای فرامرزی و استفاده از سرمایه‌گذاری برخی مهاجران، می‌توان محدودیت‌هایی مانند مالکیت و اجازه کار برای مهاجران را کاهش داد (W15+O8+O13).

جدول ۱۶- راهبردهای WT (راهبردهای تدافعی)

شماره	راهبرد
۱	ارائه الزامات قانونی و شهروندی توسط مهاجرین افغان می‌تواند، ضعف در اجرای قوانین مربوط به مهاجران خارجی و فقدان قوانین روزآمد را از بین ببرد (W8+T11).
۲	با داشتن آمار دقیق و تفصیلی از شهروندان افغان حاضر در کشور و شهرها، می‌توان شهروندان افغان را در داخل کشور به ویژه از نظر تردد و اسکان تحت کنترل خود درآورد و از همکاری با جنبش‌های مخالف و قاچاق اسلحه و کالاهای اساسی جلوگیری کرد (W9+T1+T2+T13).
۳	حاشیه‌نشینی، بافت فیزیکی شهرها و روستاها و تشکیل محله‌ها و گتوها مختص مهاجران را تغییر می‌دهد و همچنین می‌تواند خرید و فروش مواد مخدر را گسترش دهد (W8+T9+T5).
۴	اجرای ضعیف قوانین مربوط به مهاجران خارجی و فقدان قوانین به روز، ازدواج‌های غیررسمی و غیرقانونی مهاجران با مردم بومی و تولد فرزندان ناشناس یا هویت دوگانه را افزایش می‌دهد، که به نوبه خود هرم سن و جنسیت جمعیت کشور را تغییر می‌دهد (W8+T6+T10).

شماره	راهبرد
۵	نارضایتی اجتماعی و کاهش درآمد و دستمزد شهروندان ایرانی با تغییر بافت فیزیکی شهرها و روستاها، تشکیل محله و پناهگاه ویژه مهاجران و همچنین تحمیل هزینه‌های بالا برای حفظ و انسداد مرزها به دلیل مهاجرت غیرقانونی و در نهایت فقر و خروج سالانه میلیاردها دلار ارز توسط مهاجران که در افغانستان اقوام دارند، می‌شود (W4+W7+T4+T8+T9).

پس از بیان راهبردهای استخراج شده از میان زیرمعیارهای قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها، نرم‌افزار با توجه به امتیازها و ارتباطات درونی و بیرونی بین عناصر، امتیاز نهایی هر یک از راهبردها را بیان می‌کند، در جدول ۱۷ این امتیازها ذکر شده است.

همان‌گونه که از جدول (۱۷) پیداست، راهبردهای SO1، SO3، SO9 و SO1 دارای بیشترین امتیاز و به ترتیب، به عنوان اولویت اول، دوم و سوم شناخته شده‌اند. راهبرد SO9 بیان می‌کند: وجود زمینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری و اشتغال باعث توسعه بازارچه‌های مرزی و صادرات کالاهای داخلی و واردات کالاهای افغانی به ایران می‌شود که می‌تواند به این سرمایه‌گذاری‌ها سرعت ببخشد.

راهبرد SO3 معتقد است، ترویج الگوی مصرف در میان مهاجران باعث توسعه بازارچه‌های داخلی و مرزی می‌شود که به رشد اقتصادی کمک می‌کند.

راهبرد SO1 تأکید دارد، افزایش نیروی کار باعث افزایش تنوع ساختارهای قومی در جامعه می‌شود که می‌تواند شهرها و مناطق مختلف را با هم در ارتباط بیشتر قرار دهد.

جدول ۱۷- اولویت‌بندی نهایی راهبردها (گزینه‌ها)

راهبرد	امتیاز نرمال شده	اولویت
SO1	۰/۱۰۴۹۱۱	۳
SO2	۰/۰۵۷۴۱۱	۶
SO3	۰/۱۰۷۹۱۵	۲
SO4	۰/۰۴۱۸۹۸۶	۱۲
SO5	۰/۰۴۶۱۵۵	۹
SO6	۰/۰۵۴۵۰۱	۷
SO7	۰/۰۳۹۱۰۳	۱۳
SO8	۰/۰۳۴۷۱۵	۱۵
SO9	۰/۱۰۹۱۸۲	۱
ST1	۰/۰۲۸۰۰۹	۱۸
ST2	۰/۰۴۳۹۱۱	۱۱
ST3	۰/۰۳۴۰۵۱	۱۶
WO1	۰/۰۳۷۰۱۵	۱۴
WO2	۰/۰۰۴۶۱۳	۲۰

راهِبرد	امتیاز نرمال شده	اولویت
WO3	۰/۰۱۰۰۲۴	۱۹
WO4	۰/۰۵۹۹۵۱	۵
WT1	۰/۰۴۴۳۰۱	۱۰
WT2	۰/۰۵۰۲۴۵	۸
WT3	۰/۰۰۳۷۵۳	۲۱
WT4	۰/۰۲۸۰۲۲	۱۷
WT5	۰/۰۶۰۳۱۵	۴

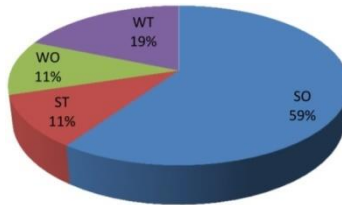
سپس اولویت‌بندی نهایی گزینه‌ها، از طریق خروجی گرافیکی نرم‌افزار Super Decisions در شکل (۴) نشان داده شده است.

Name	Graphic	Ideals	Normals	Raw
SO1		0.981074	0.104911	0.013120
SO2		0.751375	0.057411	0.020141
SO3		0.965102	0.107915	0.008211
SO4		0.581021	0.0418986	0.005042
SO5		0.664901	0.046155	0.003212
SO6		0.705312	0.054501	0.010224
SO7		0.504111	0.039103	0.022105
SO8		0.870812	0.034715	0.001360
SO9		1.000000	0.109182	0.002150
ST1		0.301541	0.028009	0.022011
ST2		0.262015	0.043911	0.003115
ST3		0.321182	0.034051	0.020133
WO1		0.510301	0.037015	0.011504
WO2		0.730424	0.004613	0.002014
WO3		0.520842	0.010024	0.001245
WO4		0.640121	0.059951	0.054032
WT1		0.350722	0.044301	0.011525
WT2		0.321345	0.050245	0.020541
WT3		0.181280	0.003753	0.034011
WT4		0.303501	0.028022	0.021110
WT5		0.270381	0.060315	0.013041

شکل ۴- اولویت‌بندی نهایی گزینه‌ها از طریق خروجی گرافیکی نرم‌افزار Super Decisions

همانطور که قبلاً ذکر شد، گزینه‌های SO1 تا SO9 مربوط به استراتژی تهاجمی، گزینه‌های ST1 تا ST3 مربوط به استراتژی رقابتی، گزینه‌های WO1 تا WO4 مربوط به استراتژی محافظه‌کارانه و گزینه‌های WT1 تا WT5 مربوط به استراتژی تدافعی است. امتیازهای Raw (خام) مربوط به امتیاز نهایی استراتژی‌ها براساس ارتباطات و امتیازهای اولیه داده شده به معیارها و زیرمعیارها است. امتیازهای Normals براساس این واقعیت مشخص شد که نرم‌افزار، مجموع امتیازها را عدد یک در نظر می‌گیرد؛ سپس امتیازهای خام نیز به همین تناسب تعبیر می‌کند و در نهایت، مجموع امتیازهای

استراتژی‌ها عدد ۱ می‌شود. امتیازهای Ideals به این صورت است که در آن استراتژی با بالاترین امتیاز به عنوان پایه و شماره یک در نظر گرفته می‌شود و بر این اساس، امتیاز سایر استراتژی‌ها تغییر می‌کند. در نهایت، می‌توان گفت که براساس امتیازهای نرمال شده، گزینه‌های مربوط به استراتژی تهاجمی (SO) در مجموع ۰/۵۹۵۷۹ امتیاز، گزینه‌های مربوط به استراتژی محافظه‌کارانه (WO) در مجموع ۰/۱۱۱۶۰۳ امتیاز، گزینه‌های مربوط به استراتژی رقابتی (ST) در مجموع ۰/۱۰۵۹۷۱ امتیاز و گزینه‌های مربوط به استراتژی تدافعی (WT) در مجموع ۰/۱۸۶۶۳۶ امتیاز ریال کسب کرده‌اند. براساس امتیازهای کسب شده می‌توان گفت که در وضعیت فعلی، باید به راهبرد تهاجمی توجه شود و در اولویت قرار گیرد. امتیازهای استراتژی‌های زیرمجموعه هر یک از استراتژی‌های فوق در شکل (۵) مشاهده می‌شود.



شکل ۵- نمودار امتیاز نهایی کسب شده مربوط به راهبردهای مهاجران افغانستانی

۸. نتیجه‌گیری

براساس نظر کارشناسان و متخصصان در مورد موضوع مهاجران افغانستانی در استان تهران، براساس مدل SOWT، در مجموع ۸ نقطه قوت، ۱۷ نقطه ضعف، ۱۹ فرصت و ۱۳ تهدید شناسایی شد. در مرحله بعد، با استفاده از سیستم مقایسه زوجی و سیستم امتیازدهی ساعتی و همچنین مدل ANP، امتیاز نهایی هر معیار و زیرمعیار تعیین شد. پس از تعیین استراتژی‌های مختلف در مورد موضوع، با توجه به امتیازات و روابط بین قسمت‌های مختلف مدل، استراتژی‌ها در اولویت‌بندی قرار گرفتند. براساس امتیازات نهایی، گزینه‌های مربوط به استراتژی تهاجمی (SO) در مجموع ۰/۵۹۵۷۹ امتیاز، گزینه‌های مربوط به استراتژی محافظه‌کارانه (WO) در مجموع ۰/۱۱۱۶۰۳ امتیاز، گزینه‌های مربوط به استراتژی رقابتی (ST) در مجموع ۰/۱۰۵۹۷۱ امتیاز و گزینه‌های استراتژی تدافعی (WT) در مجموع ۰/۱۸۶۶۳۶ امتیاز کسب کردند. براساس امتیازات به دست آمده می‌توان گفت که در شرایط کنونی، استراتژی تهاجمی باید مورد توجه قرار گیرد و در اولویت قرار گیرد. استراتژی‌های SO3، SO9 و SO1 دارای بالاترین امتیاز هستند و به ترتیب به عنوان اولویت‌های اول، دوم و سوم شناخته می‌شوند. در حقیقت استراتژی SO9 بیان می‌کند، وجود مناطق مناسب برای سرمایه‌گذاری و اشتغال باعث توسعه بازارهای مرزی و صادرات کالاهای داخلی و واردات کالاهای افغانی به ایران می‌شود و

می‌تواند به این سرمایه‌گذاری‌ها سرعت ببخشد. راهبرد SO3 معتقد است که الگوهای مصرف را در بین مهاجران ترویج می‌کند، بازارهای داخلی و فرامرزی را توسعه می‌دهد و این امر می‌تواند به رشد اقتصادی کمک می‌کند. در پایان راهبرد SO1 به افزایش نیروی کار اشاره دارد که این افزایش تنوع ساختارهای قومی در جامعه را افزایش می‌دهد؛ تاحدی که می‌تواند شهرها و مناطق مختلف را با هم در ارتباط بیشتر قرار دهد.

۸-۱. پیشنهادات

الف- پیشنهادات کاربردی

- ۱) پیگیری از دولت درباره کیفیت و کمیت وضعیت اجرای فرمان‌های حکومتی در خصوص سیاست‌های مهاجرتی برای افغان‌های مقیم در ایران؛ همچون فرمان «رهبری جمهوری اسلامی» در باب تحصیل کودکان مهاجر برای جلوگیری از تفسیرهای شخصی و پایدارسازی روند اجرای آن. توصیه می‌شود، از دولت برای در اولویت قرار دادن برگزاری سریع و گسترده دوره‌های آموزشی برای مدیران، کادر و معلمان مدارس پذیرنده مهاجران پیگیری نظارتی انجام گیرد تا اشاعه پروتکل‌ها و استانداردهای رفتاری با مهاجران و کودکان مهاجر در قالب آیین‌نامه‌های داخلی دولتی انجام پذیرد.
- ۲) پیشنهاد می‌شود در خصوص جلوگیری از جداسازی دانش‌آموزان ایرانی و افغانستانی در مدارس و همچنین جهت جلوگیری از جداکردن شیفت دانش‌آموزان مهاجر از دانش‌آموزان ایرانی در مدارس دوشیفته پیگیری نظارتی انجام شود و بر تحصیل این دو قشر در کنار هم، در کلاس‌های مشترک و در شیفت‌های یکسان در قالب آیین‌نامه‌های داخلی آموزش و پرورش تأکید گردد.
- ۳) تدارک تشکیل کمیته یا کارگروه ویژه در ادارات دولتی و نهادهای متولی امر برای مهاجران، جهت بررسی چالش‌های حضور و ادغام مهاجرین افغان در جامعه ایران.
- ۴) توسعه برنامه‌های تبلیغی و ترویجی رسانه‌ای در نمایش نقاط مثبت حضور مهاجران در ایران و تصحیح ذهنیت عمومی نسبت به آنان.

ب- پیشنهادات پژوهشی

- ۱) توصیه می‌شود، چالش‌ها و مشکلات اقلیت مهاجر «افغان» به صورت خردتر و در شاخصه‌های گوناگونی که این گروه مبتلا به آن هستند، مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار گیرد.
- ۲) با توجه به حضور جمعیت مهاجر افغان در استان‌ها و مناطق گوناگون کشور ایران، چالش‌ها و مشکلات اجتماعی-سیاسی آنان برای ادغام در جامعه ایران، تحقیق و آسیب‌شناسی شود. (۳) به نظر می‌رسد، جامعه علمی ایران دچار کمبودهایی در زمینه پژوهش‌های سیاسی در خصوص مهاجران است. می‌بایست پژوهش‌های بیشتری با تکنیک‌های پژوهشی عینی، کیفی و کمی در این زمینه.

منابع

- ابراهیمی، سعیده؛ فرج پهلوی، عبدالحسین (۱۳۸۹). رویکردی سایبرنتیکی به سیستم دآوری مقالات در مجلات علمی. فصلنامه کتاب، شماره ۸۲، ص ۱۸۶-۱۹۸.
- ارشاد، فرهنگ؛ مینا، صدف (۱۳۸۹). مهاجرت، نابرابری و پیامدهای آن. تحلیل اجتماعی، شماره ۵۹/۴.
- ایراندوست، کیومرث؛ بوچانی، محمدحسین؛ تولایی، روح‌الله (۱۳۹۳). تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی با تأکید بر مهاجرت‌های شهری. مطالعات شهری، شماره ۶، ص ۱۰۵-۱۱۸.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ رجبی سناجردی، حسین (۱۳۹۲). نظریه‌های شهر و پیرامون. تهران: انتشارات سمت.
- زرقانی، هادی؛ قنبری، محمد؛ رضوی‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل راهبردهای مدیریت مهاجران افغانستانی استان خراسان رضوی با استفاده از مدل ANP-SWOT. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۴۹(۲)، ص ۲۸۹-۳۰۵.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۹۳). مهاجرت. تهران: نشر سمت.
- عسکریان، سعید (۱۳۹۷). تبیین تجربه عدم ادغام اجتماعی ایرانیان مهاجر سوئد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: ملیحه عرشی؛ استاد مشاور: سیدمحمدحسین جواد. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- علاءالدینی، پویا؛ میرزایی، آمنه (۱۳۹۷). ادغام مهاجران افغانستانی در نواحی شهری ایران: مطالعه موردی محله هرنندی در تهران. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۸(۱)، ص ۲۵-۷.
- ملکی، محمدحسن؛ محقر، فاطمه؛ کریمی دستجری، داوود (۱۳۸۹). تدوین و ارزیابی استراتژی‌های سازمانی با به‌کارگیری مدل‌های SWOT و فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP). مدیریت فرهنگ سازمانی، ۸(۲۱)، ص ۱۵۹-۱۷۶.
- میرزایی، حسین (۱۳۹۶). بررسی انسان‌شناختی روزمرگی راهبردهای اقتصادی مهاجران افغانستانی. مطالعات فرهنگ و هنر آسیا، ۱(۲۱)، ص ۱۳۷-۱۷۳.
- نخعی کمال‌آبادی، عیسی؛ امیرآبادی، محمد؛ هیرش محمدی‌پور، هیرش (۱۳۸۹). انتخاب استراتژی بهینه براساس تحلیل SWOT و روش فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP): مطالعه موردی شرکت پتروشیمی اراک. مدیریت صنعتی، شماره ۳، ص ۱۱۱-۱۳۲.
- نصر اصفهانی، آرش؛ حسینی، سید حسن (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سیاست‌های تحصیل اتباع افغانستانی در ایران (مورد مطالعه: شهر تهران). راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۵(۲۰).
- وثوقی، منصور؛ حاجتی، مجید (۱۳۹۱). مهاجران بین‌الملل، مشارکت‌کنندگان در توسعه زادگاهی؛ مورد مطالعه شهر لار. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۴(۲).
- Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital*. In: J.G. Richardson (ed.). *Handbook of Theory and Research for the sociology of Education*. New York: landon: Greenwood press.
- Coleman, J. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of sociology*, Vol. 94, P. S95-120.
- MahzanAwang, M., Ahmad, A.R. & Abdul Rahmana, A.A. (2017). Social integration practices among multi-ethnic youths. *Kasetsart Journal of Social Sciences*.
<https://doi.org/10.1016/j.kjss.2017.10.004>.
- Şahin, B. (2016). *Social Integration of Immigrants: A SWOT Analysis*. In: *Procedia - Social and*

Behavioral Sciences, Vol.235, p. 110-117.

<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.11.006>.

Wei, L. & Gao, F. (2016). Social media, social integration and subjective well-being among new urban migrants in China. *Telematics and Informatics*, 34(3), p.786-796.

Xia, Y. & Ma, Z. (2020). Social integration, perceived stress, locus of control, and psychological wellbeing among chinese emerging adult migrants: A conditional process analysis. *Journal of Affective Disorders*, Vol.267, p.9-16.

<https://doi.org/10.1016/j.jad.2020.02.016>